



بسم الله الرحمن الرحيم

امروز برای من روز شیرین و دلپسندی بود؛ نه فقط به خاطر اینکه يك فروند رزمناو به ناوگان دریائی ارتش جمهوری اسلامی ایران افزوده شد - که این البته دستاورد بارزش و مهمی است - بلکه بیشتر از این جهت که جوانان ما، کارکنان هوشمند و دانشمند ما در این بخش از نیروهای مسلح، نتیجه‌ی امید و اعتماد و توکل خودشان را به چشم دیدند و این آنها را بر برداشتن گامهای بلند دیگر مصمم خواهد کرد؛ اساس کار این است. اساس کار این است که نیروی انسانی ما خود را و توانائی‌های خود را قدر بداند و آنها را بشناسد؛ آنچه را که خداوند متعال از استعداد و نیرو در وجود او به ودیعت گذاشته، به عرصه‌ی عمل وارد کند و از عظمت و بزرگی کارها نهراسد.

این طرح کلانی که الان آقای دریادار سیاری بیان کردند، خوب، بلندپروازانه است؛ لیکن من داشتن چنین نظرها و ایده‌هایی را صددرصد تأیید میکنم. به دنبال این باشید که بتوانید حضور مقتدرانه و شجاعانه‌ی خودتان را برای دفاع از عزت کشور و ملتتان به همه نشان دهید. البته این مقدماتی دارد و کارهای لازمی را باید انجام داد. وقتی انسان نگاه میکند، با توجه به بعضی از واقعیت‌های موجود، ممکن است بعضی از این خواسته‌ها دور از دسترس به نظر بیاید؛ لیکن من میگویم وارد راه میشویم، قدمها را یکی پس از دیگری برمیداریم و هرچه جلوتر برویم، رسیدن به نتیجه برایمان آسانتر خواهد شد.

آن روزی که اینجا توی همین کارخانجات نیروی دریائی در بندرعباس، مسئله‌ی ساخت يك ناوشکن با ابعاد قابل قبول برای دریای عمان، برای اقیانوس هند، با تجهیزات مناسب مطرح شد، به نظر میرسد که در همان دیدار، بعضی‌ها بودند که به نظرشان میرسید این کار شدنی نیست. نه فقط شدنی بود، بلکه نسبت به همتی که امروز شما برای کارهای بزرگ دارید، این يك کار چندان بزرگی هم به حساب نمی‌آید. یعنی امروز همت شما برای کارهای بزرگتر، بمراتب بیشتر از آن چیزی است که ناو جماران به ما دارد نشان میدهد و آن را در مقابل ما مجسم میکند. با اینکه برای این کار خیلی زحمت کشیده شده و این زحمات خیلی ارزش دارد - به کار بردن هوش و استعداد و توانائی و کار شبانه‌روزی و ... - در عین حال این کار در مقابل آنچه که شما امروز همت بر آن میگذارید که انجام دهید، کار بزرگی نیست؛ کارهای آینده‌ی شما مهمتر است. یقیناً موج 2 از این برتر، و موج 3 و 4 از اینها بهتر خواهد شد؛ شاید با يك ابعاد کیفی بسیار بارزش‌تری، که قطعاً همین جور خواهد بود.

خوب، اولاً لازم است من تشکر کنم. امروز تجربه‌های شما انباشته است، متراکم است؛ میتوانید از این تجربه‌ها استفاده کنید. به هر حال با اینکه زمان طولانی شده، اما همین طور که گفتم، امروز برای من يك روز بسیار خرسند کننده و روز مبارکی است که دارم نتیجه‌ی تلاش شما و زحمات شما را می‌بینم.

ما هفتصد هشتصد سال سابقه‌ی دریانوردی داریم. آن روزی که از بنادر خلیج فارس کشتی‌هایمان به اقصی نقاط آسیا میرفت، خیلی از کشورهایی که امروز در دریانوردی تبحر و شهرت پیدا کرده‌اند، اصلاً وجود قابل ذکرى نداشتند. با این سابقه، با این توانائی‌هایی که ملت ما دارد، با این ذهن خوب، با این هوش سرشار، با این سرانگشتان مهارت‌یاب که جوانهای ما دارند، مردم ما دارند، ما چرا باید اینقدر عقب بمانیم که حالا وقتی يك دستاوردی پیدا میکنیم، اینطور خوشحال شویم؟

در طول این قرن‌ها به ملت ما جفا شده. کی جفا کرده؟ خارجی‌ها جفا کرده‌اند؟ نه، حکمرانان فاسد. من از پرتغالی‌ها یا از هلندی‌ها یا از انگلیسی‌ها که آمدند سواحل و جزائر ما را تصرف کردند، گله نمیکنم؛ خوب، آنها کشورها و دولت‌هایی هستند که دنبال منافع خودشان بودند، و قدرتهای مادی از این کارها میکنند؛ میروند هزاران فرسنگ فاصله از کشورشان دست‌اندازی میکنند؛ مگر شبه قاره‌ی هند را نگرفتند؟ مگر مناطق شرقی‌تر را تصرف نکردند؟ مگر امروز این کارها را در دنیا نمیکنند؟ گله از آنها نیست؛ گله از آن قدرتهای فاسد و خودکامه و فاقد انگیزه و عزم است که نتوانستند حیثیت و آبروی ایران و ایرانی را حفظ کنند، تا دشمن بیاید يك روز بندرعباس را، يك روز جزیره‌ی



هرمز را، يك روز قشم را، يك روز بقیه‌ی جزائر را یکی یکی از دست این ملت خارج کند و مدعی هم باشد. این، حق ملت ایران نبود.

www.leader.ir

جمهوری اسلامی اگر فقط همین کار را کرده باشد که روح خودباوری را، روح احساس عزت و هویت را به این ملت و این کشور و ماها برگردانده باشد، سالیان سال باید شکرگزارش بود. و من می‌خواهم به شما عرض کنم: اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته‌ی از ایمان قرآنی اجازه نمی‌دهد که یک ملت اینجور توانائی‌هایش سرکوب شود، استعدادهایش پامال شود؛ اجازه داده شود که به خاطر بی‌اعتنائی به توانائی ذاتی او، به حالت تخدیر شده بیفتد و دیگران بیایند بر سرنوشت او مسلط شوند. اسلام این را نمی‌گذارد، و جمهوری اسلامی هم این را نمی‌گذارد. اینکه شما می‌بینید مستکبرین عالم، قدرتهای زورگو، قدرتهای سیطره‌طلب به جان جمهوری اسلامی می‌افتند - البته تا حدی که می‌توانند - علتش همین است: عادت کرده‌اند از این سفره‌ی بی‌صاحب هرچه می‌خواهند و می‌توانند، بردارند و بهره‌برداری کنند. حالا که می‌بینند نه، ملت که صاحب اصلی این سرزمین است، بیدار شده، نمی‌گذارد، دست رد به سینه‌هاشان می‌زند، طبیعی است خشمگین می‌شوند؛ مسئله‌ی توطئه‌ها این است. گناه جمهوری اسلامی و گناه ملتی که به این جمهوری و به این اسلام دل سپرده و در راه او حرکت کرده، فقط همین است که می‌خواهد زیر بار زور و سلطه و توهین دیگران به شخصیت خودش نرود. البته این هم یک آزمایش است برای تاریخ، تا تاریخ و نسلهای آینده بدانند که اگر یک ملتی با احساس هویت، با اعتقاد به قدرت ذاتی خودش، نیروهایش را به صحنه آورد؛ چه نیروی علمی‌اش را، چه نیروی صنعتی‌اش را، چه نیروی تجربی‌اش را، چه مهارت‌هایش را، چه ایمانش را - که بالاترین نیروهاست - جسم و جان‌ش را وقتی به صحنه آورد، هیچ قدرتی در دنیا نمیتواند بر عزم او، بر خواست او، بر همت او غلبه و سیطره پیدا کند؛ شکست می‌خورند. تا الان هم شکست خورده‌اند، بعد از این هم شکست می‌خورند.

هرچه نشانه‌های توانائی‌های شما و ایستادگی شما و استقامت شما بیشتر باشد، بدانید آنها خشمگین‌تر می‌شوند. اگر بتوانند، این خشم را در عمل اعمال خواهند کرد؛ اگر نتوانند هم، مجبورند زنجیر بچوند و پیشرفت شما را تماشا کنند؛ و همین جور خواهد شد. بعد از بیست و دوی بهمن، بعد از این حرکت عظیم مردمی، که اینها کشور را، ملت را، انقلاب را، نظام جمهوری اسلامی را جور دیگری خیال کرده بودند و مأیوس و دل‌سرد شدند، باز هر حرکت بزرگ شما آنها را خشمگین میکند. حرفهائی که امروز آمریکائی‌ها می‌زنند، از صدر تا ذیلشان، از رئیس‌جمهورشان تا سخنگوی فلان وزارتخانه‌شان، و همچنین بعضی از غربی‌های دیگر، نشان‌دهنده‌ی عصبانیت است. عصبانی‌اند، خشمگینند، ناامیدند، نمیدانند باید چه کار کنند. گاهی تهدید میکنند، گاهی آن تهدید را پس می‌گیرند، گاهی ترمیم میکنند، گاهی اینجا آنجا تهمت می‌زنند.

این حرف تکراری از دهن افتاده‌ی مهملی که راجع به ساخت سلاح اتمی به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند، نشان‌دهنده‌ی نهایت ناتوانی اینها حتی در زمینه‌ی تبلیغات است. جمهوری اسلامی هیچ اصراری هم ندارد که در دفاع خودش در این قضیه خیلی احساسات به خرج بدهد؛ نه، ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن اینگونه وسائل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است؛ این، ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده؛ ما دنبال این نمی‌رویم. ما دنبال آن چیزی می‌رویم که قدرتهای سلطه‌گر حقیقتاً از آن باید بترسند، و من اعتقاد این است الان هم از همان می‌ترسند و آن، بیدار کردن روح حماسه و عزت اسلامی است در همه‌ی امت اسلام. ما این کار را خواهیم کرد؛ این را بدانند.

امت اسلامی را که اتفاقاً از لحاظ وضعیت جغرافیا در نقطه‌ی حساسی از دنیا هم قرار گرفته‌اند - هم از لحاظ سوق‌الجیشی، هم از لحاظ اقتصادی و منابع طبیعی - علی‌رغم میل خودشان، مورد استثمار قرار می‌دهند. ما رسالتمان این است، همتمان این است که به دنیای اسلام هشدار بدهیم. و این هشدار، مؤثر هم واقع شده؛ می‌بینید در جا به جای دنیای اسلام، نفرت از سلطه‌گران، از سیطره‌خواهان، از خصوص آمریکا، روزافزون است. اینها می‌آیند بدروغ اینجا ادعا میکنند که ایران علیه کشورهای همسایه است؛ نه، خود کشورهای همسایه هم



میدانند اینجوری نیست. اگر يك چند صباحی اول انقلاب کشورهای خلیج فارس و بعضی کشورهای همسایه‌ی دیگر دچار خطا شدند و تصور کردند که جمهوری اسلامی با آنها طرف است، بعد در گذر زمان فهمیده‌اند که اینجور نیست. اینها برادرهای ما، اینها همسایگان ما، این مجموعه‌ی خلیج فارس میتواند با يك سیاست خردمندانه و عاقلانه‌ی جمعی و به سود همه‌ی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس بخوبی اداره شود. عنصری که این حرکت درست را، این حرکت معقول را تهدید میکند، حضور بیگانه و به طور ویژه حضور آمریکا در منطقه است. امنیت این منطقه به وسیله‌ی آمریکا مخدوش میشود، نه به وسیله‌ی کشورهای منطقه؛ آنها هستند که بر این منطقه و بر این کشورها دارند ناامنی تحمیل میکنند؛ اختلافات بین این کشورها را آرزو میکنند. هرچه هم بتوانند، توی این زمینه کار میکنند. البته گاهی شده حيله‌های آنها گرفته، ترفندهایشان گرفته؛ بسیاری از مواقع هم ناکام مانده‌اند، بعد از این هم ان شاء الله ناکام خواهند بود. اینها میخواهند چشم کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس و این مراکز حساس را از دشمن اصلی و حقیقی منصرف کنند. دشمن حقیقی و اصلی این منطقه، صهیونیست‌ها و رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است؛ آنها به دلیلی، و اینها به دلیل دیگری، میخواهند نظرها را غافل کنند، چشمها را از دشمن اصلی برگردانند؛ لذا یاوه‌گوئی میکنند.

جمهوری اسلامی متکی به دل‌های میلیونها انسان است. وقتی صدای واحدی از حنجره‌ی ده‌ها میلیون انسان با قدرت ادا میشود، این سخن قابل محو شدن نیست؛ امواج این سخن در دنیا باقی میماند و ماندگار میشود. شوخی است؟ ده‌ها میلیون انسان با هم فریاد نفرت از استکبار، نفرت از نظام سلطه‌ی جهانی و پافشاری بر عزت ملی و ایمان اسلامی را سرمیدهند؛ آن هم نه يك بار، نه دو بار؛ سی سال است که مردم دارند این فریاد را سر میدهند؛ این از بین رفتنی نیست. فریاد هماهنگ این همه حنجره و این همه دل، ماندنی است؛ اینها جزو قوانین حتمی طبیعت و تاریخ است؛ مثل قانون جاذبه است، مثل قوانین دیگر طبیعی است؛ لذا تخلف ندارد. این صدا ماندگار است. شرط این است که ما هر کدامی کار خودمان را درست انجام دهیم. من بارها این حدیث را از قول پیغمبر اکرم به مخاطبان گفته‌ام: «رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه»؛ رحمت خدا بر کسی که کار را انجام دهد و آن را محکم انجام دهد، درست انجام دهد، با اتقان انجام دهد. کار را باید با اتقان انجام داد.

خوب، يك نکته این است که ساخت این ناوشکن، صرفاً ساخت يك ناوشکن نبود؛ این نهادینه‌سازی طراحی و ساخت رزمناوهای بزرگ در کارخانجات کشور بود؛ دانشگاه‌های ما بهره بردند، دانشگاه امام خمینی بهره برد، صنایع نیروی دریائی بهره بردند، صنعت وزارت دفاع بهره برد؛ ذهنها به کار افتاد و در بخشهای گوناگون الکترونیک، دستگاه‌های مختلف به کار وادار شدند. خود این تحرك ورزشی ذهنی و عملی، برای کشور يك دستاورد است؛ که این حالت تحرك، خودش کمتر از به دست آوردن و دارا شدن يك رزمناو با این خصوصیات نیست؛ این خیلی باارزش است؛ این را حفظ کنید؛ نگذارید این حرکت علمی و صنعتی از دور بیفتد؛ پی‌درپی کار، پی‌درپی ابتکار.

ما در سالهای گذشته از سواحل طولانی دریای عمان بهره‌ی لازم و کافی را نبرده‌ایم. ذهنمان هم‌ااش متوجه خلیج فارس بوده، اهمیت دریای عمان از نظر ما مغفول‌عنه مانده. این نگاه جدید که نگاه به دریای عمان است به وسیله‌ی ارتش جمهوری اسلامی، میتواند کارهای بزرگی را انجام دهد؛ این برای منطقه‌ی جنوب شرقی کشور يك موهبت الهی است. بنابراین دولت و دستگاه‌های مختلف - چه وزارت دفاع، چه وزارتخانه‌های دیگر که مرتبط با این کارند - همه باید به پیشرفت این کار کمک کنند. خوب، این کارها ممکن است ان شاء الله بشود؛ اما من میخواهم این را بگویم که اگر همین پیشنهادهایی که ایشان کردند، آنچنان که مورد نظر ایشان است - که من هم تأیید میکنم - به خاطر محدودیتهای گوناگون و یا به هر دلیلی انجام هم نگیرد، باز باید کار پیش برود، باز باید کار انجام بگیرد. من میگویم ظرفیت توانائی‌های نیروی انسانی در همه‌ی موارد - که این تجربه‌ی سی ساله‌ی بنده است در مدیریتهای گوناگون - میتواند جبران‌کننده‌ی بسیاری از کمبودها باشد. يك جا اعتبارات نیست، میتوان کمبود اعتبارات را با کیفیت دادن به مدیریت جبران کرد. در نگاه اول ممکن است مشکل یا نشدنی به نظر بیاید؛ اما عملی است، شدنی است؛ اینها را ما تجربه کرده‌ایم؛ هم در جنگ تجربه کرده‌ایم، هم در مسائل گوناگون بخشهای مختلف کشور تجربه شده. اگر میخواستیم با همان نگاه اول نگاه کنیم، خیلی چیزها را اول انسان با يك نگاه ساده از دست‌رفته میپنداشت



؛ بعد که انسان وارد کار شد، دید نه، میتوان، میشود. اعتبارات نیست، منابع نیست؛ اما قدرت مدیریت هست، عقل هست، صرفه‌جویی هست، دیدن و شناختن امکانات در گوشه و کنار هست.

گاهی يك امکانی در اختیار شما هست، به آن توجه ندارید، از آن استفاده هم نمیکنید، از يك منبع دیگری دارید استفاده میکنید؛ بعد که آن منبع بسته شد، به خودتان نگاه کردید، این امکان را می‌بینید، جلوی چشم شما این امکان خودش را نشان خواهد داد. بنابراین نگذارید این حرکت از دور بیفتد. کار را دنبال کنید؛ چه اینجا، چه در شمال، چه در بخشهای گوناگون دیگر.

هماهنگی بین دستگاه‌هایی که در حلقه‌ی تنگاتنگ و نزدیکتری توی این مسئله به هم مرتبطند، خیلی لازم است؛ مثل همکاری با وزارت دفاع. وزیر دفاع هم اینجا حضور دارند؛ به این نکته توجه بشود. گاهی اوقات به من شکایت میکنند از اینکه برخی از وعده‌هایی که داده شده، بوقت عمل نشده. خوب، ممکن است اینجور باشد. بایستی بنشینید رسیدگی کنید؛ از جمله همین عقب‌ماندگی صنعت در پروژه‌ی «موج 2». البته اخیراً ارتش يك پیشنهادی به ما کرده، ما گفته‌ایم بررسی کنند ببینیم چه کار میشود کرد که جبران بشود. بعضی از موتورهای برای اورهال (1) فرستاده شده، برنگشته - آنطور که میگویند - مثل موتورهای اصلی ناوچه‌های کلاس پیکان. از این قبیل، مواردی هست که مورد گلایه است. خوب، نباید گلایه کرد. شما از هم دور که نیستید، با همید، مال يك مرکزید، مرتبط به يك هدف هستید؛ بنشینید مشکلات را حل کنید. البته ستاد کل باید حتماً به این هماهنگی‌ها و این نزدیک شدن‌ها کمک کند.

من می‌خواهم يك سفارش عرض کنم: این ساخت بسیار بااهمیت را با تولید قطعه‌های لازم باید تکمیل کنید. حالا شاید در خلال گزارشهای امروز به گوشم خورد که قطعه‌سازی شروع شده. به هر حال اگر اینجور نیست، من تأکید میکنم. مسئله‌ی قطعه‌سازی، خیلی مهم است. نگذاریم هنگام نیاز یا نزدیک هنگام نیاز، به سراغ قطعه‌هایی که مورد نیاز است، برویم؛ نه، از همین اول، کار قطعه‌سازی را به عنوان يك کار مستقل دنبال کنید؛ خود این فواید و برکاتی دارد.

من می‌خواهم بر روی شناورهای زیرسطحی هم تأکید کنم. نیروی دریائی یکی از هدفها و جهتگیری‌های کلی‌اش باید مسئله‌ی شناورهای زیرسطحی باشد. امروز اگر همان جور که قبلاً گفته‌ایم نیروی دریائی يك نیروی راهبردی است - که همین هم هست - و در دفاع از کشور جزو خطوط مسلم حتمی است، باید با زیرسطحی‌ها منطقه را در دست بگیرید.

يك مسئله هم مسئله‌ی جنگ الکترونیک است. من بارها در طی سالها، هم در دیدار با نیروی دریائی، هم در دیدار با نیروی هوائی، روی مسئله‌ی جنگ الکترونیک تأکید کرده‌ام، باز هم تأکید میکنم. دشمنان شما بر روی توانائی‌های الکترونیکی در زمینه‌ی سلاحهای جنگی متمرکزند و سالها هم هست که دارند کار میکنند. دفاع الکترونیکی برای ما خیلی مهم است. روی مسائل الکترونیک کار کنید. خوشبختانه ما زمینه داریم: صنایع الکترونیک ما خوب است، دانشمندان خوبی داریم، فعالان خوبی داریم و يك سرمایه‌ی عظیم تمام نشدنی داریم که آن، جوانهای مايند. ان شاء الله خداوند متعال همه‌ی شماها را حفظ کند. برای شما دعا میکنم و امیدوارم که شما جوانان نیروی دریائی بتوانید ان شاء الله يك نیروی دریائی‌ای بسازید که در شأن ملت ایران باشد.

گفتند که کشور ما يك کشور دریائی است. واقعش هم همین است دیگر؛ متصل به اقیانوس و دارای دریا، آن هم دریائی به این حساسیت؛ چه خلیج فارسش، چه دریای عمان و بقیه‌ی بخشها و مراکزی که اینقدر این منطقه را حساس کرده است. خوب، این کشور دریائی، احتیاج به يك نیروی دریائی حقیقتاً برجسته و ممتاز دارد؛ و این حتماً به دست خواهد آمد، و کننده‌ی این کار هم همین شما جوانهای عزیز هستید.

ان شاء الله خداوند متعال شما را حفظ کند، مشمول ادعیه‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) باشید و ارواح طیبه‌ی شهدا و روح مبارك امام ان شاء الله شما را در عوالم ملکوت دعا کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

1) پیاده کردن موتور برای بازدید و تعمیر
